

# از گائینک تا جائینک

یک تاریخچه و مطالعه موردی

علوی

www.ketab.ir



آمار است آردن

|                     |                                                                      |
|---------------------|----------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : علوی، بشیر، ۱۳۵۴                                                   |
| عنوان و نام پدیدآور | : از گائینک تا جائینک، یک تاریخچه و مطالعه موردی / نویسنده بشیر علوی |
| مشخصات نشر          | : تهران، آرون، ۱۴۰۰                                                  |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۸۲ ص.                                                             |
| شابک                | : ۰ - ۲۶ - ۷۷۳۵ - ۶۲۲ - ۹۷۸                                          |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیپا                                                               |
| موضوع               | : روستاها - ایران - بوشهر(استان)                                     |
| موضوع               | : Villages - Iran - Bushehr(Province)                                |
| موضوع               | : جائینک Jaink                                                       |
| رده‌بندی کنگره      | : DSR ۲۰۸۳                                                           |
| رده‌بندی دیوبی      | : ۹۵۵ / ۶۴                                                           |
| شماره کتابخانه ملی  | : ۸۴۹۱۹۵۸                                                            |



انتشارات آرون

از گائینک تا جائینک

یک تاریخچه و مطالعه موردی

نویسنده: دکتر بشیر علوی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۴۰۰

چاپ صدف: ۵۰۰ نسخه

۱۵۵/۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

۰ - ۲۶ - ۷۷۳۵ - ۶۲۲ - ۹۷۸

## به نام خداوند جان و خرد

### فهرست مطالب

|    |                                                     |
|----|-----------------------------------------------------|
| ۱۱ | سخن نخست                                            |
| ۱۹ | فصل اول: جغرافیای تاریخی گاینک                      |
| ۲۰ | موقعیت جغرافیایی                                    |
| ۲۰ | آب و هوا                                            |
| ۲۰ | وجه تسمیه                                           |
| ۲۴ | روستای گاینک در روایت سفرنامه‌نویسان و منابع تاریخی |
| ۲۶ | تاریخچه شکل‌گیری روستای گاینک                       |
| ۳۱ | حدود و اندازه اولیه و کنونی گوینک                   |
| ۳۲ | روستاهای همجوار                                     |
| ۳۲ | کنار تنبل                                           |
| ۳۳ | کپله                                                |
| ۳۵ | دهگه                                                |
| ۳۶ | محلّه عباسی                                         |
| ۳۷ | بادهای محلی                                         |
| ۳۹ | باد بحری                                            |
| ۴۰ | جهت‌های جغرافیایی                                   |
| ۴۰ | موقعیت‌ها و مکان‌های معروف                          |
| ۴۰ | چاه‌ها                                              |
| ۴۱ | باغ‌ها                                              |
| ۴۴ | جاده استانداری / فرمانداری                          |
| ۴۴ | شُر‌ها                                              |

|    |                         |
|----|-------------------------|
| ۴۵ | کوه بنه                 |
| ۴۵ | اشکت‌ها                 |
| ۴۷ | دره‌ها                  |
| ۴۸ | کلات‌ها                 |
| ۴۸ | گزه‌ها                  |
| ۴۹ | کنارها                  |
| ۴۹ | برم‌ها                  |
| ۵۰ | تخته‌ها (تخته‌ها)       |
| ۵۰ | خواجه خضر               |
| ۵۱ | تل‌های عاموسینی         |
| ۵۱ | تل خرگوشی               |
| ۵۱ | تل دبه                  |
| ۵۱ | تل خرگهی                |
| ۵۲ | تل اسپ                  |
| ۵۲ | کمر کلاغ چپرو           |
| ۵۲ | زمین‌های ارونی (خارستر) |
| ۵۲ | کوره گچی                |
| ۵۳ | کاش (شکاف)              |
| ۵۳ | تووه (تابه)             |
| ۵۳ | دووی عامو حسینی         |
| ۵۳ | بسی خالو                |
| ۵۴ | چمیزه زینب مرادی        |

## فصل دوم: موقعیت اجتماعی گائینک

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۵۵ | زبان                 |
| ۵۶ | لهجه گائینکی‌ها      |
| ۵۹ | یادداشت              |
| ۷۱ | یادداشت              |
| ۸۱ | دین و مذهب           |
| ۸۱ | جمعیت روستا          |
| ۸۲ | قبایل و بنکوه        |
| ۹۰ | نمودار بنکوه و اقوام |
| ۹۰ | سادات                |
| ۹۱ | غلو محسینی‌ها        |

|          |                                     |
|----------|-------------------------------------|
| ۹۸.....  | عیال محمیا (عیال غریب).....         |
| ۹۹.....  | عیال مشهدی‌ها (عیال مشی‌ها).....    |
| ۱۰۲..... | زنده‌وی‌ها.....                     |
| ۱۰۵..... | یامتی‌ها.....                       |
| ۱۰۷..... | جمشیری‌ها.....                      |
| ۱۰۸..... | عیال مهنا.....                      |
| ۱۲۰..... | صدور شناسنامه.....                  |
| ۱۲۵..... | مکتب‌خانه.....                      |
| ۱۲۵..... | تأسیس مدارس.....                    |
| ۱۲۶..... | نخستین معلمان روستا.....            |
| ۱۲۶..... | نخستین دانش آموزان.....             |
| ۱۲۶..... | خانه انصاف.....                     |
| ۱۲۸..... | کدخدایان.....                       |
| ۱۳۴..... | معرفی افراد شاخص اولیه.....         |
| ۱۳۹..... | ورود سادات بزرگوار به گائینک.....   |
| ۱۴۲..... | حسینیه و پیشینه آن.....             |
| ۱۴۶..... | روضه‌خوانان.....                    |
| ۱۴۷..... | مساجد.....                          |
| ۱۴۸..... | غسالخانه.....                       |
| ۱۵۰..... | قبرستان گائینک.....                 |
| ۱۵۰..... | دارالقرآن.....                      |
| ۱۵۳..... | هیأت‌ها.....                        |
| ۱۵۴..... | پارک کوهستانی (انبار علی نامی)..... |
| ۱۵۶..... | انبار علی میشتین (علی بیکن).....    |
| ۱۵۶..... | ناخدایان.....                       |
| ۱۵۶..... | مخابرات.....                        |
| ۱۵۷..... | موسیقی.....                         |
| ۱۵۸..... | فوتبال.....                         |
| ۱۵۹..... | اذان‌گویان اولیه روستا.....         |
| ۱۵۹..... | سال‌های خاص در گوینک.....           |
| ۱۶۰..... | سال تویی.....                       |
| ۱۶۳..... | سال غرقه.....                       |
| ۱۶۷..... | سال‌های مریضی.....                  |

## سخن نخست

### فرزند خصال خویشتن باش

فرهنگ به عنوان میراث مشترک بشریت همواره عامل انسجام، ارتباط و گفتگوی مسالمت‌آمیز میان تمدن‌ها بوده است. با ارزش‌های فرهنگی است که زمان گذشته و حال به هم پیوند می‌خورد و دنیای حال که حالت سطح دارد، بُعد و ژرفا خواهد یافت. این مفهوم فرهنگ که در کلیت امر میراث مشترک بشری است، با مفهوم تمدن هم‌نوايي دارد و هر جا بشری از فرهنگ می‌شود، تمدن نیز مطرح است، برای همین فرهنگ و تمدن را معمولاً مترادف هم به کار برده‌اند. به‌ویژه در تاریخ تمدن، هر جا سخن از تمدن می‌رود، مراد از آن فرهنگ است و در مجاورت سیاسی - اجتماعی نیز این دو کلمه به جای یکدیگر استفاده شده است. تمدن نیز مجموعه‌ای از ساخته‌ها و تجربیات انسان‌ها در مراحل گوناگون زندگی آنهاست و به همه قومیت‌های ایرانی، اروپایی و غیره... اختصاص دارد و امتیازهای اقلیمی یا منطقه‌ای در آن نقش ندارد.

اصطلاح فرهنگ در فرهنگ‌نامه‌های مختلف به معنی ادب، عقل، دانش، بزرگی، حکمت، هنر، علم و معرفت آمده است. فرهنگ را در جایگاه علم به معنای نشانه و نمود معنوی رشد و پیشرفت یک جامعه به کار می‌برند. از این نظر فرهنگ خصوصیتی است که یک جامعه در زمان گام برداشتن در مسیر اعتلا کسب می‌کند. در بعضی از فرهنگ‌ها، ریشه فرهنگ را از کشت و زرع، زمین و پرورش دانسته‌اند؛ یعنی عمل‌آوری و رشد در این مفهوم نهفته است؛ لذا گاهی فرهنگ به معنی رشد و تربیت افراد و جامعه انسانی به کار می‌رود، اما به مرور معنای این مفهوم

متحول شده است و در مورد هر آنچه به صورت اجتماعی کسب می‌شود به کار می‌رود و عبارت است از مجموعه دانش، باور، هنر، دین، اخلاق، حقوق و آداب و رسوم و هر استعدادی که انسان به مثابه عضوی از جامعه معین کسب می‌کند. فرهنگ‌ها طی زمان سیال‌اند و با ترکیب و تفسیر در خلال روابط ساخته می‌شود. باوجودی که فرهنگ‌ها در نتیجه تعامل افراد ساخته می‌شوند، این به معنای به آسانی ترکیب شدن آن نیست. بعضی از فرهنگ‌ها به آسانی در مقابل دیگر فرهنگ‌ها مستحیل می‌شوند و بعضی دیگر موضعی سرسختانه دارند.

میراث فرهنگی آداب و رسوم گذشتگان یک منطقه را به ما بازگو می‌کند و انسان با شناسایی آن به مجموعه‌ای از آیین‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی یک قبیله پی می‌برد. آثار مملوس (مثل بناهای باستانی و تاریخی) و غیر مملوس (مثل آئین‌ها و مراسم‌ها) در واقع سرمایه‌های ارزشمند یک ملت و کشور محسوب می‌شوند که در هر دوره‌ای متناسب با شرایط جامعه منبع درآمد و اشتغال مردم نیز بوده است. میراث فرهنگی منبع آگاهی انسان از شیوه زندگی و کار گذشتگان و نیاکان خود است و از همین رو بی‌توجهی و نابودی این آثار به معنای از بین بردن ابزار و وسیله آگاهی از زندگی گذشتگان است. صرف‌نظر از کارکردهای میراث فرهنگی به عنوان منشأ آگاهی و شناخت از شیوه زندگی گذشتگان، این آثار در هر دوره‌ای منبع درآمد و اشتغال بسیاری از مردم بوده که از این طریق امرار معاش می‌کردند.

روستاهای در بطن خود، شناسای فرهنگ و تمدن یک منطقه و در نهایت کشورند که پاسدار اصلی فرهنگ و تمدن یک گروه و جرگه محسوب می‌شوند. تنگستان به سه منطقه جدای تنگسیر و خنسیر و بارکی تقسیم می‌شد و خاندان تنگستانی در لیلک استقرار و برج داشتند که در سال ۱۲۴۸ قمری مرکزیت تنگستان به اهرم می‌رود. روستای "گائینک" با نام امروزی جائینک از روستاهای اصیل تنگستان است که وجود گویش خاص این روستا حاکی از اصیل بودن و دارای نژاده بودن این قبایل است.

بررسی گزاره‌های یک روستا کاریست شگرف و بالارزش. با ارزش از آن جهت که نوشتن و به قید درآوردن گفته‌ها و نکته‌هایی که در حال فراموشی است و روشن نمودن موارد و موازینی که برای نسل امروز و فردا تاریک و نامعلوم است، در راستای

احترام گذاشتن به فرهنگ آن قوم و ارج نهادن به رویدادهای یک نسل است و نوشتن تاریخ از پایین به شمار می‌آید.

حدود یک سال پیش با طرح مشخص و با پیشنهاد دوستانی که در حوزه فرهنگ و تمدن استان فعالیت دارند، طرح این پژوهش را آغاز کردم و با مشورت دوستان هم‌روستایی کار پژوهش را در این مورد آغاز نمودم. از همان آغاز و بدون شروع به کار متوجه سخت و زمخت بودن موضوع شدم و به این دلیل خود را کاملاً آماده یک پژوهش سخت و طاقت‌فرسا نمودم. پژوهشی که با تمام آثار قبلی‌ام دو تفاوت اصلی داشت. ۱- تخصصی نبودن کار. ۲- پخش و پره بودن مؤلفه‌هایی که باید برای این سیاهه آماده می‌شد. حقیقتاً این کار باید توسط پژوهشگر تاریخ‌شناسی و ماهر می‌شد. سال‌ها صبر کردم تا کسی دست به این پژوهش بزند و شاکله فرهنگی و سنتی روستا را تدوین کند. با وجودی که کسی دست به کار نمی‌زد، ولی باز امیدوار ماجرا بودم. در این مدت ساکت نبوده و تاجایی که می‌توانستم، فیش‌برداری می‌کردم. تا اینکه یکی از راویان و گویشوران خوب و باهوش و پُرگپ و پُر چننه به نام زاربه‌زاد بهزادی پدر محمد بهزادی از دینار فرضاً این یک زنگ خطر بود که برای من به صدا درآمد و بدون از دست دادن وقت و بی‌آنکه متظر کسی دیگر بمانم که آیا این کار را شروع می‌کند یا خیر، کار را آغاز کردم. نیک ماجرا این بود که تا توانسته بودم از زاربه‌زاد بهزادی سوالات خود را پرسیده و یادداشت کرده بودم، ولی اطلاعاتی بود که از ایشان پرسیده نشد و همگی به خاک رفت. البته در این مسیر از جناب احمد هوشیار که جزوای تقریباً ده صفحه‌ای با ویراستاری جناب اسدالله رضایی برای شورای روستا تهیه فرموده بودند نباید گذشت، زیرا که در آن جزوه، اشاره‌های خوبی به پیشینه روستا و... شده که برای نگارنده در بحث مورد نظر کارساز بود.

حضور دو گویشور خوب به نام علی رحیمی (علی حسین علی رجب) و خواهرش (شاه‌پری رحیمی) دی حاجی حیدرنوروز که به سلامتی هر دو در صحت و سلامت قرار داشتند، امید کارم شد و کار بر پایه و اساس همین دو نفر شروع شد و تا پایان کار اطلاعات و خاطرات و نقل قول‌های همین دو نفر بود که جنم و بنیه‌ی بستن این کتاب گردید. در کنار این دو نفر بودند افرادی مانند پدر و مادرم و علی هوشیار (علی رضای غریب) که کار را راهنمایی می‌کردند، منتهی رابط اصلی من و دنیایی قدیمی



که هرگز درک و حسش نکرده بودم، همین خواهر و برادر بودند. شب‌های متمادی و زیادی با ساعت‌های طولانی در کنار این دو نفر می‌نشستم و یادداشت می‌کردم. از صبر و تحمل و حوصله و بردباری این دو عزیز و خانواده معظم و گران‌ارح‌شان در دوران کرونا و پذیرش حضور نگارنده در منزل و محفلشان سپاسگزاری می‌کنم.

نکته زیبای ماجرا این است که این دو نفر انگار از کوچکی اطلاعاتی را به عمد جمع‌آوری نموده و دسته‌بندی کرده بودند تا روزی یا جایی نوشته شود. این سخن را از این بابت می‌گویم که بارها از زبان ایشان شنیدم که می‌گفتند از مادرم پرسیدم یا از پدرم پرسیدم یا از فلانی پرسیدم. این پرسیدنی‌ها همه و همه نکته‌هایی بود که اگر این دو نفر برای خود روشن نکرده بودند، هیچوقت اطلاعات دست اول این کتاب نقش بسته نمی‌شد. ذهن و هوشیاری هر دو قابل تقدیر و به نام ایزد است. هر دو در پوشش روایانی فهمیم و هوشیار و کارآزموده عمل می‌کردند. می‌دانستند که چه می‌خواهم و چه نکاتی را باید متذکر شوند. با ولع و حرص تمام هرچه را می‌دانستند بازگو می‌کردند. چندبار می‌گفتند تکرار می‌کردند. یقین پیدا می‌کردند که من درست یادداشت کرده‌ام. انگار خود بیش از من برای نوشتن و ماندگاری چیزهایی که در ذهن داشتند، تلاش می‌کردند و نگران بودند که مبادا نکته‌ای جا بماند. هرچه را در ذهن داشتند به طبق اخلاص گذاشتند و بیان کردند تا برای آینده‌ها بماند. هیچوقت با وجود کهولت سن احساس خستگی در وجودشان ندیدم. خود را مقید به گفتن و بیان همه مطالب می‌نمودند. بارها علی حسین علی رجب از من می‌پرسید این را نوشتی؟ آن را نوشتی؟ درست نوشتی؟ خراب ننویدی‌ها! این رفتارها از این دو عزیز که برادر در ۸۵ سالگی و خواهر در ۹۰ سالگی به سر می‌برد من را به یاد سخن زنده‌یاد استاد نسخه‌شناس و ایران‌مدار قرن معاصر جناب ایرج افشار فرزند مرحوم محمود افشار می‌انداخت که گفته بودند گاهی این گویشوران یا راویان روستایی بیشتر از نگارنده‌ها عرق نوشتن دارند، نوشتن مطالبی که خودشان می‌دانند با رفتن‌شان هیچوقت گفته و روشن نخواهد شد.

این رفتار را بارها با چشم خودم در نزد این دو عزیز دیدم و دیدم که مانند قصه‌گویی ماهر و مجرب، با حوصله و عشق حکایات و حقایقی که در ذهن داشتند، بیان می‌کردند. همین رفتار از زاربه‌زاد بهزادی هم دیدم، ولی حیف که کوتاهی کردم